

نقطه اشتراک شعارها و واقعیت زندگی لیدرهای جریان اصولگرا

هرچند ثروتمند بودن و داشتن زندگی مرفه و حتی لوکس و همچنین مهاجرت هیچ عیب و ایرادی ندارد، اما برای کسانی که عمری شعار ساده‌زیستی می‌دهند و غرب را مذموم می‌دانند، قاعدتا بی‌عیب و ایراد نیست

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، هر دو را از جمله «لاکچری‌های اصولگرایان» می‌دانند، هر دو به نوعی از لیدرهای جریان اصولگرایی هستند، همان جریانی که رقبای خود را به اشرافی‌گری و زندگی تجملاتی متهم می‌کنند.

از شعارهای ساده زیستی تا زندگی لاکچری

هر دو شعارهای عدالت‌طلبانه و ساده‌زیستی می‌دهند؛ اما در زندگی‌های شخصی‌شان خلاف حرف‌های پشت تریبون رفتار می‌کنند؛ هر دو زمانی که مسئولیتی در دست دارند، می‌گویند فکر و ذکرشان را روی مسئولیت‌شان می‌گذارند؛ شاید آنها برای «خدمت» بیشتر، کارشان را پشت در خانه نمی‌گذارند و در خانه هم مشغول کار باشند، اما اینطور که از گفته‌ها و شنیده‌ها بر می‌آید گویا شعارهای ساده‌زیستی را پشت در می‌گذارند و وارد زندگی خانوادگی‌شان می‌شوند!

محمدباقر قالیباف و صادق محصولی؛ دو چهره جریان اصولگرایی هستند که زمانی تنها خبرهای در گوشی از زندگی لاکچری‌شان شنیده می‌شد، اما مدتی است که دیگر این موضوع خیلی عیان در افکار عمومی مطرح است. یکی ۱۲ سال پیش خمس اموالش ۴۵۰ میلیون تومان بوده و دیگری خانواده‌اش سیسمونی قدم نو رسیده را از فروشگاه‌های استانبول تهیه می‌کنند که حالا خبر رسیده فرزند کوچک خانواده ۴ سال پیش برای اقامت دائم کانادا اقدام کرده بوده و ۴ سال بعد از طولانی شدن روند رسیدگی به درخواستش، از دولت کانادا شکایت کرده که چرا ویزای من را نمی‌دهید!

حاشیه مهاجرت پسر کوچک قالیباف به کانادا

شاید وقتی اسحاق قالیباف در حال پر کردن فرم‌های درخواست «اقامت دائم» کانادا بوده، در تصورش بوده که دیگر این کشور، جای ماندن نیست؛ کشوری که آن زمان پدرش عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است و یک سال و نیم قبلش شهردار پایتخت بوده و یک سال و نیم بعدش رئیس مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران شد.

درخواست فرزند رئیس مجلس ایران برای اقامت دائم کانادا، در روزهای اخیر جنجال زیادی به پا کرده است؛ فرزند پدری که مدام در مذمت غرب و کشورهای غربی و فرهنگ غربی سخنرانی می‌کند و روش و منش کشورداری آنها را زیر سوال می‌برد، حالا بعد از آنکه درخواست اقامت دائم‌اش بی پاسخ مانده وکیل گرفته تا به دادگاه همان کشور شکایت ببرد که این درخواست ما چه شد پس!

بسیاری از منتقدان، قالیباف را به دورویی و ریا و تزویر متهم می‌کنند؛ او که حتی نتوانسته فرزند خودش را برای زندگی کردن در کشوری که خودش سال‌ها از مقامات ارشد آن بوده، قانع کند و سبک زندگی‌ای که در سخنرانی‌ها مبلغ آن است را به فرزندش بقبولاند.

افشاگر زندگی لاکچری قالیباف نزدیک به کدام جریان است؟

اما برخی افراد که افشاگر مسائل مربوط به زندگی لاکچری قالیباف هستند، نزدیک به چه جریانی هستند؟ نزدیک به جریانی که دبیر کل آن به عابربانک آن جریان معروف است؛ جبهه پایداری به دبیر کلی صادق محصولی.

دبیر کل جبهه پایداری از جمله چهره‌های سیاسی است که به ثروت افسانه‌ای‌اش شهرت دارد. او پس از انقلاب به عنوان فرمانده سپاه منطقه ۵ کشور منصوب شد و بعد از مدتی فرمانده تیپ ویژه سپاه پاسداران شد. با پایان جنگ تا دولت محمود احمدی‌نژاد به «کارهای اقتصادی» مشغول بود و با روی کار آمدن دولت نهم، رفیق گرمابه و گلستان محصولی، او را به عنوان وزیر نفت به مجلس معرفی کرد که نهایتاً خودش عطای وزارت نفت را به لقای آن بخشید و انصراف داد.

ثروت افسانه‌ای آقای دبیرکل

در آن زمان نخستین شائبه‌ها درباره ثروت افسانه‌ای محصولی از زبان نمایندگان مجلس بیان شد؛ شائبه‌ها پیرامون ماجرای سوآپ نفت با جمهوری آذربایجان در زمان استانداری احمدی‌نژاد در اردبیل می‌گشت. در روزهایی که محصولی آماده جلسه رای اعتماد می‌شد، قدرت‌الله علیخانی نماینده قزوین در مجلس هفتم، گفت «محصولی باید پاسخ دهد که منزل گرانیقیمت، درآمد میلیاردی، برج‌های میرداماد و زمین‌های بزرگ منطقه حسنی‌کیا را چگونه به دست آورده است.»

یک نماینده دیگر خانه محصولی را با خانه نمایش داده شده از احمدی نژاد در فیلم تبلیغاتی‌اش کنار هم گذاشت و گفت که اگر ثروت محصولی از راه حلال هم به دست آمده باشد، همخوانی با خانه احمدی نژاد ندارد. همین حرف و حدیث‌ها بود که محصولی ترجیح داد جلسه رای اعتماد برگزار نشود؛ جلسه‌ای که اگر برگزار می‌شد احتمالا سخنان مصدافی‌تر و بیشتری در ارتباط با ثروت افسانه‌ای او مطرح می‌شد.

از خانه ۷۰ متری سلسبیل تا خانه ۱۰۰۰ متری اقدسیه

همان سال‌ها گفته می‌شد که صادق محصولی در منزلی به مساحت هزار متر مربع در یکی از لوکس‌ترین محله‌های تهران ساکن است؛ خانه‌ی هزار متری در اقدسیه تهران. البته حرف و حدیث درباره خانه او زیاد است؛ البته نه این خانه، بلکه خانه‌ای که نخستین روزهای زندگی در تهران داشت؛ آنطور که منصور حقیقت‌پور نماینده ادوار مجلس گفته، وقتی محصولی به تهران آمد، در خانه‌ای ۷۰ متری در محله سلسبیل تهران ساکن شد.

هرچند محصولی از حقیقت‌پور بابت برخی سخنانش درباره منشا و راه‌های کسب ثروت خود شکایت کرده، اما هیچگاه درباره چگونگی به دست آوردن ثروت افسانه‌ای خود توضیحی ارائه نداده و نمی‌دهد. او چند سالی می‌شود که دبیر کل یکی از تندروترین تشکلهای سیاسی کشور شده است؛ جبهه پایداری که به تندروی و افراطی‌گرایی مشهور است، محصولی را به عنوان دبیر کل خود دارد؛ طیفی که با عیان شدن زوایای زندگی لوکس خانوادگی محمداقبر قالیباف، او را در افکار عمومی زیر ضرب می‌برد و او را فاقد صلاحیت می‌داند؛ همان طیفی که دبیر کل خود ثروتی افسانه‌ای دارد.

با آشکار شدن ماجرای سیسمونی ساخت ترکیه و اروپای نوه قالیباف و حالا درخواست اقامت دائم اسحاق، کوچکترین پسر رئیس مجلس، انتقادات زیادی به قالیباف وارد می‌شود؛ اما یکی از طیف‌هایی که قالیباف را آماج حملات خود قرار می‌دهد همین پایداری‌چی‌هایی هستند که نه فقط توضیحی درباره ثروت «شاگرد خلف مصباح‌یزدی» نمی‌دهند، بلکه ثروتمند بودنش را هم با صدای بلند اعلام می‌کنند.

سال ۱۳۹۰ قاسم روانبخش، دیگر شاگرد مصباح‌یزدی در مناظره با علیرضا زاکانی یک اصولگرایی دیگر، در دفاع از محصولی گفت که «اگر شما از وی اختلاسی در زمانی که وزیر کشور بود پیدا می‌کردید وی را از کره ماه آویزان می‌کردید».

هرچند روانبخش چنین پیش‌بینی‌ای را برای یافتن اختلاس محصولی در زمان وزارت کشور مطرح کرده بود، اما هیچ حرفی از ماجراهای نفتی و ملکی محصولی در سال‌های دهه ۷۰ به میان نیاورد. البته که در عین حال گفته بود «باید بدانید که اگر سرمایه کسی مشروع باشد، مشکلی ندارد». صادق محصولی در جریان انتخابات پرحاشیه ریاست‌جمهوری ۸۸ وزیر کشور و به عبارت دیگر مسئول مستقیم اجرای انتخابات بود.

ماجرای خمس ۴۵۰ میلیون تومانی

خمس ۴۵۰ میلیون تومانی دبیر کل پایداری در سال ۱۳۹۰ سر و صدای زیادی به پا کرد. آنطور که از سخنان گویندگان برمی‌آید، این خمس مربوط به محاسبه اموال او در همان سال بوده است؛ چرا که شایعاتی درباره تخصیص خمس ۴۵۰ میلیونی به فعالیت‌های جبهه پایداری برای انتخابات منتشر شد که بعداً تکذیب شد.

اما اگر خمس اموال مازاد که در چرخه یومیه زندگی حاضر نیست، ۴۵۰ میلیون تومان شده باشد، اصل پولی که خمس آن محاسبه شده چیزی حدود ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان بوده است؛ چه زمانی؟ سال ۱۳۹۰! خمس البته به ملزومات زندگی مانند خانه مسکونی، خودرو و پولی که از آن گذران زندگی می‌شود تعلق نمی‌گیرد. اگر قیمت دلار در سال ۱۳۹۰، به طور متوسط ۱۵۰۰ تومان در نظر گرفته شود، حاصل محاسبه دلاری ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان، می‌شود حدود یک و نیم میلیون دلار. یعنی ثروت محصولی که به آن خمس تعلق گرفته با قیمت دلار آن سال می‌شود یک و نیم میلیون دلار که معادل ریالی یک و نیم میلیون دلار با دلار ۵۵ هزار تومانی، می‌شود ۸۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان.

زندگی مرفه عیب نیست اما...

در شرایطی که فرزند رئیس مجلس پیگیری اقامت دائم در کانادا است و سیسمونی خواهرزاده‌اش را استانبول می‌خرند؛ یا دبیر کل طیف تندرویی که مواضعشان در قامت سعید جلیلی مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای سابق، سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی تا آن زمان را برای مردم آورده بود، سال ۱۳۹۰ فقط خمس اموالش یک و نیم میلیون دلار بوده، شعارهایشان محلی از اعراب نخواهد داشت. هرچند ثروتمند بودن و داشتن زندگی مرفه و حتی لوکس و همچنین مهاجرت هیچ عیب و ایرادی ندارد، اما برای کسانی که عمری شعار ساده‌زیستی می‌دهند و غرب را مذموم می‌دانند، قاعدتا بی‌عیب و ایراد نیست. افکار عمومی خواهان توضیح درباره شعار دادن این افراد هستند؛ شعارهایی که به حساب مردم و از جیب مردم سر داده می‌شد. حالا جالب‌تر اینکه هر کدام دیگری را بابت زوایای زندگی‌های دور از چشم مردم، ملامت می‌کنند؛ کاری که حکایت ضرب‌المثل دو دیگ در کنار یکدیگر را در ذهن می‌آورد!

منبع: خبرآنلاین